



گفت و گو با دکتر شهرام شاه‌بابایی - مدیرعامل شرکت شیمی فرآیند مهر آریا

خوش‌بین به شش ماهه دوم سال ۱۴۰۲

اشاره:

یکی از مشکلاتی که واحدهای صنعتی به تازگی با آن روبرو شده‌اند را کمبود نیروی انسانی ماهر و تعداد اندک دانشکده‌های نساجی کشور می‌داند و می‌افزاید: «نیروهای جوان پس از اتمام دبیرستان هیچ تمایلی به تحصیل در رشته نساجی ندارند. مقصر کیست؟ صاحبان صنایع؟ مردم؟ دولت؟ به اعتقاد من مقصر اصلی مدیران و صاحبان صنایع هستند چون برخی مدیران صنایع برخورد مناسبی با آنان نیروهای جوان و تازه فارغ‌التحصیل ندارند.» دکتر شاه‌بابایی اذعان می‌کند: «به‌عنوان یک صنعتگر تفاوت جهان سوم و دنیای پیشرفته را به وضوح در دانشگاه‌ها و کارخانجات ایران مشاهده کردم؛ زمانی که ارزش‌های مادی و معنوی فارغ‌التحصیلان و نیروی جوان نادیده گرفته شد و نومیثدی و یأس آنان از زندگی و کار در کشورشان به اوج خود رسید.»

۴ بیوگرافی و آغاز فعالیت در صنایع نساجی

با توجه به فعالیت پدر بزرگم در نساجی مازندران و علاقه‌مندی پدرم که دوست داشتند که یکی از فرزندانمان در رشته مهندسی نساجی تحصیل کند، این رشته را انتخاب نمودم. در دهه ۶۰ و ۷۰ مازندران تنها استانی بود که دو هنرستان نساجی داشت و اولین کارخانجات نساجی کشور در مازندران و شهر قائم‌شهر به نام کارخانجات نساجی مازندران بود و قدمت آن به صد سال می‌رسد که هم اکنون در حال فعالیت می‌باشد. بعد از اتمام دوران هنرستان، تحصیلاتم را در دانشگاه

«یزدباف» مشغول کار شدم.

فعالیت‌های صنعتی را در شرکت‌های «نساجی قروه»، «گروه صنعتی گلبافت»، «مجتمع صنعتی یزد» ادامه دادم و به‌عنوان مشاور شرکت‌های مختلف (فعال در تولید پتوی راشل و ذوب ریسی) نیز تجاربی کسب کردم.

سال ۱۳۸۸ به همراه یکی از دوستان - آقای دکتر مسعود هزاری - عضو سابق هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم‌شهر و در حال حاضر ساکن نروژ - شرکت فرایند شیمی را با هدف تولید مواد تعاونی نساجی تأسیس کردیم و به تدریج با تمرکز بر برندسازی، افزایش نیروهای انسانی و حضور موثر در اغلب رویدادهای صنعت نساجی از جمله همایش‌ها و نمایشگاه‌ها شیمی فرایند را به‌عنوان یک مجموعه فعال در حوزه تولید و تأمین مواد تعاونی نساجی به مخاطبان معرفی کردیم.

۴ زمانی که فعالیت در نساجی را به صورت حرفه‌ای شروع کردید، این صنعت در چه شرایطی به سر می‌برد؟

فکر می‌کنم صنعت نساجی در دهه ۷۰ شرایط مناسبی نداشت و حتی بازار کار مهندسی‌ن نساجی نیز خوب نبود. در حال حاضر حدود ۹ هزار واحد کوچک و بزرگ نساجی وجود دارند اما سوال اینجاست چه جایگاهی در آسیا و دنیا داریم؟ حجم اشتغال‌زایی ۹ هزار واحد نساجی چه میزان است و چند درصد از سرانه مصرف داخلی و همچنین بازار کشورهای همسایه را به خود اختصاص می‌دهند؟

همان‌طور که می‌دانید فرش ایران شهرت جهانی دارد و عمده صادرات ما به حوزه فرش و کفپوش اختصاص داشت ولی متأسفانه نه تنها پس از گذشت چهار دهه این جایگاه ارزشمند را از دست داده‌ایم بلکه فکر می‌کنم تا ۱۰ سال آینده به هیچ‌عنوان قالی‌باف نخواهیم داشت.

نکته دیگر این که چین بسیاری از صنایع را به صورت مهندسی معکوس به انحصار خود درآورده و تنها محصولی که از کپی آن بازماند، فرش دستباف ایرانی است که با روح و روان ایرانیان عجین شده و قابل کپی‌برداری نیست. در دهه ۶۰ برخلاف دهه ۷۰، بازار کار بسیار مطلوب



بود، اگرچه دوران جنگ را سپری می‌کردیم ولی کارخانجات با تمام توان کار می‌کردند، دهه ۷۰ با رکود تولید و بازار و در دهه ۸۰ با رونق نسبی مواجه شدیم، دهه ۹۰ بار دیگر رکود را تجربه کردیم و امروز نیز شاهد وضعیت نامساعد و رکود تولید، بازار و اشتغال هستیم که دلایل این رکود متعدد است از جمله به روز نبودن ماشین‌آلات خطوط تولید، فقدان زیرساخت مناسب، بی‌ثباتی و نوسان شدید نرخ ارز و وجود ارز چندنرخ.

همچنین یکی از مشکلاتی که واحدهای صنعتی به تازگی با آن روبرو شده‌اند، کمبود نیروی انسانی ماهر و تعداد اندک دانشکده‌های نساجی کشور است. نیروهای جوان پس از اتمام دبیرستان هیچ تمایلی به تحصیل در رشته نساجی ندارند. مقصر کیست؟ صاحبان صنایع؟ مردم؟ دولت؟ به اعتقاد من مقصر اصلی مدیران و صاحبان صنایع هستند چون برخی مدیران صنایع برخورد مناسبی با آنان نیروهای جوان و تازه‌فارغ‌التحصیل ندارند.

بعد از انقلاب کارخانه‌ها و صنایع در راستای خصوصی‌سازی، نخستین اقدامی که انجام دادند «حذف بخش آموزش» بود. به عبارت بهتر مدیران صنایع انتظار دارند مهندس نساج بلافاصله در بدو ورود به محیط صنعت کار خود را شروع کند بدون این‌که استعدادیابی و شناخت متقابل میان مهندس و واحد تولیدی شکل گرفته باشد! از سوی دیگر دستمزد مهندس به اندازه حقوق یک کارگر ساده است، طبعاً وجود چنین شرایطی سرخوردگی و دل‌سردی متخصصین جوان را در پی دارد و انگیزه رشد و پیشرفت شغلی آنان را از بین می‌برد در حالی که سال‌های پیش نیروهای جوان حداقل سه تا شش ماه در کارخانه‌ها تحت آموزش قرار می‌گرفتند و در نهایت براساس توانمندی و استعدادی که مریبان آموزش در مهندسين مشاهده می‌کردند، افراد به بخش‌های مختلف کارخانه هدایت می‌شدند.

اجازه دهید در مورد بی‌احترامی نسبت به مهندسين جوان خاطرهای تعریف کنم. چند سال پیش در آزمون جامع دکترا (که به دلیل شیوع کرونا به صورت آنلاین برگزار می‌شد) یکی از دانشجوی مقطع دکترا که در تاکسی اینترنتی کار می‌کرد و به سختی مراحل تحصیلی خود را تا دکترا رسانده بود، حضور داشت.

در میان پرسش و پاسخ اساتید، وی یکی از اساتید را تحت عنوان «دکتر ...» نام برد، از اساتید جوان حاضر در این آزمون با حالت بسیار نامناسب و پرخاشگرانه خطاب به این دانشجو ابراز داشت به چه حقی این طور صحبت می‌کنید؟ باید یاد بگیرید اساتید را به عنوان «جناب آقای دکتر ...» صدا بزنید!

دانشجوی دکترا که مورد تکریم قرار نمی‌گیرد، برای مهندس کارخانه که ارزشی قائل نمی‌شوند پس چگونه انتظار داریم صنعت نساجی به رشد و توسعه برسد؟ روزی فرا می‌رسد که صاحبان صنایع برای تأمین کادر مهندسی و استخدام نیروی کار مجرب و توانمند باید از کشورهای خارجی و پرداخت حقوق‌های هنگفت نیروهای مورد نیاز خود را استخدام نمایند.

یکی از دوستان که ریاست دپارتمان دانشگاهی در نیویورک را برعهده دارد، تعریف می‌کرد که روزهای نخست فعالیت در این مجموعه، مدیران و روسای ارشد دانشگاه را با القاب دکتر و پروفیسور خطاب می‌کردم تا این‌که یکی از آنان به من گفت: «بهتر است ما را با نام کوچک صدا بزنید و استفاده از لقب دکتر، مهندس و ... ضرورتی ندارد!»

به‌عنوان یک صنعتگر تفاوت جهان سوم و دنیای پیشرفته را به وضوح در دانشگاه‌ها و کارخانجات ایران مشاهده کردم؛ زمانی که ارزش‌های مادی و معنوی فارغ‌التحصیلان و نیروی جوان نادیده گرفته شد و نومی‌دی و یاس آنان از زندگی و کار در کشورشان به اوج خود رسید.

در سال‌های پیش اساتید دانشگاه عمدتاً مدیران واحدهای صنعتی بودند و علم و عمل را در کنار یکدیگر به دانشجویان خود یاد می‌دادند ولی امروز اغلب اساتید صرفاً پرورش‌یافته دانشگاه‌ها هستند، تجربه کار در محیط صنعتی و کارخانه را ندارند و اطلاعات و دانش برخی از آنها به روز نیست چون به دلایل مختلف در نمایشگاه‌ها و همایش‌های علمی خارجی حضور پیدا نمی‌کنند تا از آخرین دستاوردهای تکنولوژیکی و فنی دنیا مطلع شوند و مطالب جدید را به دانشجویان خود منتقل کنند.

در دنیای امروز صنایع بین رشته‌ای به سطح بالایی از توسعه و پیشرفت رسیده‌اند برای مثال رشته نساجی- کشاورزی، نساجی- پزشکی، نساجی- پلیمر، نساجی- ساختمان و ... ما کجا هستیم و چه می‌کنیم؟!

همانطور که می‌دانید دانشگاه‌های دولتی و آزاد در خصوص تربیت مهندسی نساجی فعال هستند برخلاف سال‌های گذشته در دانشگاه آزاد، دانشجویان می‌توانند به صورت آزاد ثبت نام نمایند و به نوعی دفترچه کنکور کاربردی ندارد؛ این موضوع باعث شده خانواده‌ها رغبت چندانی به انتخاب رشته مهندسی نساجی نشان ندهند. نکته بعد این‌که برخی صاحبان صنایع به دلایل مختلف مانند فرار مالیاتی و ... سعی می‌کنند درآمد خود را اندک نشان دهند و لذا در اغلب صحبت‌های خود نساجی را یک صنعت بحران‌زده، ورشکسته با درآمدزایی اندک معرفی کنند که همین سیاه‌نمایی نقش مهمی در افت تعداد دانشجویان رشته مهندسی نساجی ایفا می‌کند؛ در حالی که سودآوری نساجی نسبت به بعضی صنایع به مراتب بیشتر است. موضوع بعدی فاصله چشمگیر میان اساتید دانشگاه‌ها و صنایع است. باید امکاناتی فراهم شود تا اساتید به مدت شش ماه تا یک سال یکسال به طور مستقیم و از نزدیک در فضای صنعت قرار گیرند تا با مطالب جدیدی آشنا شوند و دانسته‌های خود را محک بزنند.

۴ در هفتمین ماه از سال ۱۴۰۲ به سر می‌بریم. این هفت ماه برای صنعتگران نساجی چگونه گذشت؟

در مورد وضعیت ۶ ماه اخیر صنعت نساجی باید متذکر شوم این صنعت دارای زیرمجموعه‌های متعددی از قبیل ریسندگی، بافندگی، رنگریزی، تولید فرش ماشینی و ... است که لزوماً مسائل و مشکلات یکسانی ندارند. برای مثال صنعت فرش ماشینی که بالاترین ارزش صادراتی نساجی را به خود می‌دهد با مشکلات بسیاری در زمینه تأمین مواد اولیه، بازاریابی و فروش داخلی و خارجی، صادرات و ... روبروست و در عین حال ظرفیت تولید آن بالاتر از تقاضای داخلی می‌باشد؛ این شرایط مختص صنعت فرش ماشینی است و به سادگی نمی‌توان به سایر حوزه‌ها تعمیم داد. شاید دو تا سه رشته صنعت نساجی دوران مطلوبی را طی کنند اما در چند بخش با مشکلات جدی روبرو هستیم لذا به‌طور کلی نمی‌توان اعلام کرد طی هفت ماه اخیر تمام زیرمجموعه‌های نساجی در شرایط مساعد یا نامطلوب به سر برده‌اند البته نکته مشترک

خارجی در کشور و به طور خلاصه فرایندهای تبادل افکار و دانش را با توجه به قوانین حاکمیتی تسهیل کند. دفتر تخصصی صنایع نساجی و پوشاک باید خود پیشتاز باشد و در ایجاد و تعریف صنایع نوین و ورود دانش فنی و بومی سازی برنامه‌های چند منظوره، برای اجرا و کمک به رونق تولید کمک کرده و توان رقابتی داخلی و خارجی را افزایش دهد. تامین مواد اولیه و ماشین آلات تولید و انتخاب و راه اندازی و تولید از چالش‌ها و دغدغه‌های صنعت است. دفتر تخصصی باید از طریق حمایت و مشاوره صنعتی و ارتباط با نهادهای ذی ربط به رفع چالش‌ها و موانع و مشکلات اعتباری کمک کند.

در حال حاضر به دلیل محدودیت‌های موجود، مواد اولیه با قیمت بالا به بخش تولید می‌رسد و تولید را هم به این دلیل و هم به دلیل برخی موانع و قوانین کاری و نرخ بالای هزینه‌ها، دچار مشکل و رکود می‌کند. پویایی دفتر تخصصی به رشد و پویایی صنعت مرتبط کمک خواهد کرد.

◀ در مورد فعالیت‌های شیمی فرایند هم توضیحاتی دهید؟ آیا تولیدات آن مختص نساجی است یا در صنایع دیگر هم فعال هستی؟

به طور تخصصی در صنعت نساجی فعال هستیم و تمرکز اصلی ما در بخش ذوب‌ریسی است. تولید انواع روغن اسپین فینیش جهت تولید نخ، POY، FDY، BCF و CF ارائه مواد تعاونی در تولید الیاف (ویرجین و بازیافتی) برنامه‌هایی نیز در قالب طرح توسعه شرکت تدوین کرده‌ایم که در آینده نزدیک اعلام خواهد شد.

◀ تاکنون مشکلات کاری باعث شده از فعالیت در نساجی خسته یا پشیمان شوید؟

خیر حتی یک لحظه! شیفته شغل خود هستیم و افراد را به سرمایه‌گذاری در این صنعت ترغیب و تشویق می‌کنم.

نیاز صنعتگران نساجی متغیر است و هنوز بازار این محصولات در صنعت نساجی کشور اشباع نشده و جای کار بسیاری وجود دارد.

پیشنهاد می‌کنم تشکلی از میان واردکنندگان و تأمین‌کنندگان مواد اولیه و قطعات یدکی نساجی تشکیل شود تا کمبودها، مسائل و مشکلات این بخش برطرف گردد.

◀ نقش دفتر صنایع منسوجات و پوشاک وزارت صمت را در راهبری صنعت نساجی چگونه مشاهده می‌کنید؟

به‌عنوان یک دفتر تخصصی، پل ارتباطی با صنعت و بخش ستادی و تصمیم‌گیرنده است. پس اگر ارتباط و تعامل آن با صنعت کم‌رنگ باشد نمی‌تواند نقشه راه و توسعه صنعت را به درستی ترسیم کند و تصمیمات آن با واقعیت بخش صنعت فاصله داشته و محقق نمی‌شود. اگر نیروی متخصص و آگاه در بدنه ستاد و صنعت وجود نداشته باشد، سرمایه‌گذاری دچار مشکل خواهد شد و صنعت از جایی به بعد رشد نخواهد کرد. تخصیص اعتبار و شناخت روش‌های تامین مالی و کمک به سرمایه‌گذاری‌ها از مواردی است که دفتر تخصصی باید ارائه دهد و صنعت را آگاه سازد و بهترین و اقتصادی‌ترین روش برای تامین مالی واحدها را جهت خرید و ایجاد صنعت پیشنهاد دهد و با ارتباط خود با نهادهای مالی و اعتباری به حمایت صنعت بیاید و چرخه تامین و توسعه را تداوم بخشد.

قطعاً بخش تامین مالی مانند بانک و ... سود و زیان خود را محاسبه می‌کند و به راحتی درگیر سرمایه‌گذاری نمی‌شود مگر حمایت، توجیه پذیری از سوی بخش تخصصی حاکمیتی و قانون گذاری مناسب و مشترک وجود داشته باشد. این تعاملات با همفکری و ارتباط دوطرف میسر نمی‌شود. حمایت از تحقیق و توسعه هم اهمیت دارد، هم در تولید و هم در بخش تصمیم‌گیرنده تشویق واحدها به این امر برای به روز ماندن و پیشرو بودن مهم است پس در نقشه راه و استراتژی صنعت دفتر تخصصی باید متناسب با دانش روز و تقاضا و برای حفظ سرمایه‌گذاری‌ها و واحدهای ایجاد تسهیلات مناسب برای حضور واحدها در نمایشگاه‌ها، حضور کارشناسان

برای تمام صنایع کشور از جمله نساجی، افزایش نرخ ارز، رکود حاکم در بازار به دلیل کاهش قدرت خرید مردم و افت ارزش پول ملی است که باعث شده خرید پوشاک و منسوجات در اولویت خانوارها قرار نگیرد. به طور کلی معتقدم تا زمانی که با مشکلات ارزی مواجهیم و تخصیص ارز به صنعتگران با چالش‌های متعددی روبروست، وضعیت صنعت نساجی پایدار نخواهد بود.

شاید در مقطعی شاهد رونق این صنعت باشیم ولی مقطعی و کوتاه مدت است. متأسفانه یک سیاست پایداری در صنایع کشور وجود ندارد نه از لحاظ نرخ ارز، نه نرخ تورم، نه از نظر بازار فروش و نه نحوه تامین مواد اولیه! در این شرایط آن بخش از صنایع نساجی مانند ریسندهای الیاف بلند که مواد اولیه خود را از بورس تهیه می‌کنند با مشکلاتی مانند کافی نبودن عرضه مواجهند لذا رقابت منفی در بورس شکل می‌گیرد و شاهد افزایش قیمت‌ها هستیم.

از طرفی برخی کارخانه‌ها نقدینگی لازم در اختیار ندارند و مجبور به تهیه مواد اولیه از دلال‌ها می‌شوند که این امر افزایش قیمت تمام شده محصولات آنان را در پی دارد. پس طی ۷ ماه اخیر روند پایدار و ثابتی در صنعت نساجی تجربه نکرده‌ایم و فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته‌ایم. امیدوارم از ماه مهر تا شب عید شاهد رونق بیشتر این صنعت باشیم.

به این نکته هم اشاره کنم که بسیاری از شرکت‌های آلمانی حاضر به فروش ماشین‌آلات به ایران نیستند و به همین دلیل شاید با اغماض در شرایط تحریم واردات ماشین‌آلات دست دوم توجیه اقتصادی داشته باشد اما به طور کلی اصلاً موافق استفاده از ماشین‌های دست‌دوم خارجی نیستیم چون نرخ استهلاک آنها بسیار بالا و بهره‌وری پایینی دارند که به نفع صاحبان صنایع نیست. کشور به دلیل تحریم و محدودیت در تبادل ارز جهت تجهیزات خط تولید و مواد اولیه بسیار آسیب دیده و در داخل و خارج به راحتی صادرات و تامین اعتبار امکان‌پذیر نیست و محدودیت‌ها و رکود واحدها همچنان تداوم پیدا می‌کند.

◀ وضعیت تولید و بازار مواد تعاونی نساجی چگونه است؟

تعداد تولیدکنندگان مواد تعاونی نساجی که برحسب

تهیه و تنظیم: سیدضیاءالدین امامی رئوف